

استدلال‌های قرآنی



دانشگاه اصفهان

دانشکده الهیات و معارف اهل البیت

گروه معارف اهل البیت(ع)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام

تحلیل حقوق و تکالیف جنسی زوجین در فقه اسلامی و حقوق موضوعه

استاد راهنما:

دکتر قدرت الله خسروشاهی

دانشجو:

نگار خسروی منفرد

دی ماه ۱۳۹۸

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب نگار خسروی منفرد دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه و برون داده‌های منتشره در این رابطه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. لذا در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) دانشگاه اصفهان حق دارد مدرک تحصیلی صادر شده برای اینجانب را از اعتبار ساقط و ضمن درج عام موضوع در جراید کثیر الانتشار، کلیه امتیازات و حقوقی که به موجب آن در طی دوره تحصیل و مدت زمان بعد از فراغت از تحصیل تا اثبات تخلف به ذینفعان تعلق گرفته را مسترد گرداند.

نام و نام خانوادگی دانشجو نگار خسروی منفرد امضاء

تایید استاد راهنما: نام و نام خانوادگی دکتر قدرت الله خسروشاهی امضاء

از استاد راهنمای کرامی ام جناب آقای دکتر خسرو شاهی بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنمایی های ایشان
تدوین این پایان نامه بسیار مشکل می نمود.

همچنین از جناب آقای سید محسن صدری، خانم راضی و آقای محمد جواد ذریه و دیگر کارکنان دانشکده و اساتید
محترم که در راه رسیدن به پایان دوره همراهم بسیار خوبی برای بنده بودند، بسیار سپاسگزارم و از خداوند موفقیّت روز
افزون عزیزانم را خواستارم.

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

پاسکزار کسانی، هستم که سرآغاز تولد من هستند، از یکی زاده می‌شوم و از دیگری جاودانه، استادی که سپیدی را بر
تخته سیاه زندگی‌م گذاشت و مادری که تاری مویی از او به پای من سیاه ماند.

و تقدیم به زنان برج‌کشیده سرزمینم

چکیده

قوام و استمرار زندگی زناشویی بر پایه تفاهم، محبت، احترام متقابل و رعایت حقوق زوجین، از جانب هر کدام بستگی دارد. دین اسلام برای این که نظام ارزشمند خانواده به بهترین شکل به حیات خود ادامه دهد، برای هر یک از زوجین حقوقی در نظر گرفته است و در مقابل این حقوق برای هر یک تکالیفی قرار داده است. از جمله این حقوق و تکالیف می‌توان به تمکین و حقوق جنسی زوجین، که از مهم ترین ارکان زندگی زناشویی و از جمله مواردی است که در فقه و حقوق بسیار به آن توجه شده است، اشاره کرد. یکی از مهمترین نیازهای انسان میل جنسی است و ارضای صحیح این غریزه، به سلامت جسم، روح و روان انسان کمک بسیاری می‌کند. دین اسلام به نیاز جنسی زوجین توجه ویژه ای مبذول داشته است، از آنجا که طبق گفته اکثر فقها هدف اصلی نکاح، رابطه جنسی و تولید مثل است، احکام خاص این رابطه نیز به خوبی بیان شده است. حال گاهی این حقوق به انحرافات دچار شده و باعث آسیب دیدگی یکی از زوجین می‌شود. در تحقیق حاضر به یکی از این انحرافات یعنی تجاوز زناشویی پرداخته ایم. خشونت جنسی نسبت به زوجه، در اعلامیه حذف خشونت علیه زنان به عنوان یکی از مصادیق خشونت علیه زنان قرار گرفت و پس از آن در مجامع بین المللی جرم انگاری شد، با این وجود در قوانین کشورمان این موضوع مسکوت مانده است. لذا در این تحقیق به بررسی روابط جنسی زوجین از دیدگاه اسلام و امکان سنجی وجود حکم منع تجاوز زناشویی، در فقه امامیه، به روش توصیفی_تحلیلی پرداخته ایم و با استفاده از روش های استدلال منطقی بر اساس اصول و قواعد فقهی و حقوقی به تحلیل این مسئله پرداخته ایم. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که تمکین زوجه در برابر زوج مطلق نیست و برای آن حدودی تعیین شده است. عدم رعایت این حدود که می‌تواند منجر به ضرر و زیان یا عسر و حرج شدید برای زوجه شود با تکیه بر اصل نفی عسر و حرج و اصل لاضرر، امکان تحقق تجاوز زناشویی را فراهم می‌کند که می‌تواند رفتاری مجرمانه و قابل مجازات به حساب آید.

کلیدواژه‌ها: حقوق جنسی، رابطه جنسی، تجاوز زناشویی، تمکین،

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱-۱-۱	بیان مسئله
۲-۱-۲	پیشینه و تاریخچه موضوع
۳-۱-۳	اهمیت و ارزش تحقیق
۴-۱-۴	اهداف تحقیق
۵-۱-۵	سوالات تحقیق
۶-۱-۶	روش تحقیق
۷-۱-۷	کاربرد نتایج تحقیق
	فصل دوم: مفاهیم و ادبیات نظری
۱-۲-۱	مفاهیم
۱-۱-۲-۱	مفهوم حق
۱-۱-۲-۱-۱	ویژگی‌های حق
۱-۱-۲-۲	تقسیمات حق
۱-۱-۲-۱-۲	حقوق فردی
۱-۱-۲-۲-۱	حقوق اجتماعی
۱-۲-۲	تکلیف
۱-۲-۱-۲	حق و تکلیف در روابط جنسی زوجین
۳-۱-۲	مفهوم تمکین
۱-۳-۱-۲	تمکین عام
۲-۳-۱-۲	تمکین خاص
۴-۱-۲	مفهوم نشوز
۵-۱-۲	مفهوم تجاوز زناشویی
۲-۲-۱۰	ادبیات نظری
۱-۲-۲-۱۰	رابطه جنسی از دیدگاه اسلام
۲-۲-۲-۱۲	رابطه جنسی در ادیان
۳-۲-۲-۱۳	رابطه جنسی از دیدگاه فمینیسم
۱-۳-۲-۲-۱۳	فردریش انگلس
۲-۳-۲-۲-۱۴	جان استوارت میل
۳-۳-۲-۲-۱۴	سیمین دوبووار (فمینیسم اگزیستانسیالیست)
۴-۳-۲-۲-۱۴	دیدگاه لزیبیسیم
۵-۳-۲-۲-۱۴	شولامیت فیراستون

عنوان	صفحه
۲-۳-۶- فمینیسم رادیکال	۱۴
فصل سوم: حدود روابط جنسی زوجین	
۳-۱- رابطه متعارف جنسی از دیدگاه اسلام	۱۶
۳-۲- حقوق جنسی زوجین	۱۷
۳-۲-۱- حق جنسی زوجه	۱۷
۳-۲-۲- حق جنسی زوج	۱۷
۳-۳- تمکین در فقه و حقوق ایران	۱۷
۳-۴- ضمانت اجرایی تخلف از وظیفه تمکین در حقوق	۱۹
۳-۴-۱- عدم استحقاق نفقه	۱۹
۳-۴-۲- دعوای الزام به تمکین	۱۹
۳-۴-۳- اجازه ازدواج دوم	۱۹
۳-۴-۴- بررسی امکان تعزیر زوجه مستنکف	۱۹
۳-۵- نشوز در فقه و حقوق مدنی ایران	۲۰
۳-۵-۱- مصادیق نشوز زوجین	۲۱
۳-۵-۱-۱- نشوز زوج	۲۱
۳-۵-۱-۱-۱- استنکاف از وظایف مالی	۲۱
۳-۵-۱-۱-۲- تخلف از انجام وظایف غیر مالی	۲۲
۳-۵-۱-۱-۳- حسن معاشرت	۲۲
۳-۵-۱-۱-۴- ترک موافقه	۲۲
۳-۵-۱-۲- مصادیق نشوز زوجه	۲۳
۳-۵-۱-۲-۱- امتناع زوجه از تمکین	۲۴
۳-۵-۱-۲-۲- خروج از منزل بدون اذن شوهر	۲۵
۳-۵-۱-۲-۳- حسن معاشرت	۲۵
۳-۶- موارد جواز عدم تمکین در فقه و حقوق	۲۵
۳-۶-۱- قاعده لاضرر و حرمت ایذاء مومن	۲۵
۳-۶-۱-۱- معنای ضرر	۲۶
۳-۶-۱-۲- کاربرد قاعده لاضرر	۲۶
۳-۶-۲- حرمت ایذاء	۲۶
۳-۶-۳- بیماری شوهر (امراض مقاربتی و مسری)	۲۷
۳-۶-۴- استفاده از حق حبس	۲۷
۳-۶-۵- دیگر آزاری و دیگر آزاری توأم با خود آزاری	۲۸
۳-۶-۶- جنون مقاربتی	۲۸

عنوان	صفحه
۷-۶-۳- واداشتن زوجه به رابطه در ایام حیض و نفاس.....	۲۹
فصل چهارم: امکان سنجی تحقق تجاوز زناشویی در فقه و حقوق ایران	
۱-۴- خشونت علیه زنان	۳۰
۲-۴- تجاوز زناشویی.....	۳۱
۱-۲-۴- تاریخچه تصویب قانون تجاوز زناشویی در مجامع بین المللی	۳۲
۲-۲-۴- دسته بندی تجاوز زناشویی	۳۴
۱-۲-۲-۴- اعمال فشار جنسی غیر فیزیکی.....	۳۴
۲-۲-۲-۴- اعمال فشار جنسی به وسیله شیء خارجی	۳۴
۳-۲-۲-۴- اعمال فشار جنسی دهانی و مقعدی و واژنی	۳۵
۳-۲-۴- مؤلفه‌های تجاوز زناشویی.....	۳۵
۱-۳-۲-۴- عدم رضایت	۳۵
۲-۳-۲-۴- جایگاه خاص همسر نسبت به تجاوز بیگانه.....	۳۶
۳-۳-۲-۴- اجبار و خشونت	۳۶
۴-۳-۲-۴- آسیب جسمی	۳۶
۵-۳-۲-۴- آسیب روانی.....	۳۷
۳-۴- علل وقوع تجاوز زناشویی	۳۷
۴-۴- بررسی تجاوز زناشویی در فقه.....	۳۸
۱-۴-۴- قاعده معاشرت به معروف.....	۳۸
۱-۱-۴-۴- معروف در لغت	۳۸
۲-۱-۴-۴- معروف در اصطلاح.....	۳۸
۳-۱-۴-۴- معنای اجمالی قاعده.....	۳۹
۲-۴-۴- قاعده لا ضرر و حرمت ایذاء	۴۰
۳-۴-۴- اصل عدم ولایت زوجین بر یکدیگر	۴۰
۱-۳-۴-۴- اصل عدم ولایت زوجه بر زوج	۴۰
۲-۳-۴-۴- اصل عدم ولایت زوج بر زوجه	۴۰
۴-۴-۴- قاعده عسر و حرج	۴۱
۱-۴-۴-۴- مفهوم کلی قاعده	۴۱
۵-۴- استفتائات	۴۱
۶-۴- نتیجه گیری	۴۸
۷-۴- پیشنهادات.....	۴۹
منابع و مآخذ.....	۵۰

فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
۳۱.....	شکل ۴-۱- آمار (تجاوز جنسی) سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۲.....
۳۴.....	شکل ۴-۲- تجاوز زناشویی.....
۳۵.....	شکل ۴-۳- اعمال فشار جنسی دهانی و مقعدی و واژنی.....

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسئله

خانواده به جمعی گفته می‌شود که از طریق سبب یا نسب با یکدیگر مرتبط باشند، خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی شکل گرفته و مهم‌ترین نقش را در توسعه و مراحل حیات بشر از ابتدا تا کنون و تا پایان زندگی، نسبت به سایر نهادهای اجتماعی دارا است. در نظام خانواده هر یک از زوجین در مقابل یکدیگر دارای حقوق و تکالیفی هستند؛ از جمله این تکالیف می‌توان به حقوق جنسی اشاره کرد. ارضاء نیازهای جنسی یکی از اهداف اصلی ازدواج و تشکیل خانواده و به دنبال آن تحکیم خانواده است؛ تا جایی که اگر این رکن اساسی را از زندگی زناشویی حذف کنیم، می‌توان پیوند زناشویی را نفی کرد. نکته قابل توجه این است که با توجه به تفاوت موجود در نیازهای جنسی زوجین، همواره به نیازهای جنسی زوج توجه کمتری شده و از دیدگاه عموم از ارزش پایین‌تری برخوردار بوده است و بعضاً تصور شده است، تنها کسی که از این رابطه لذت و در نتیجه منفعتی حاصل می‌کند مرد است. اما بر خلاف تصور می‌بینیم در اسلام این حقوق متقابل بوده و در جهت رشد و بالندگی زوجین وضع شده است. این اهمیت تا جایی است که یکی از زوجین حتی به بهانه عبادت نیز نمی‌تواند از روابط زناشویی کناره‌گیری کند. همچنین تحقیقات و مطالعات علمی صورت گرفته در سالهای اخیر این مسئله (لذت جنسی طرفین) را تایید می‌کند. رعایت این حقوق در مقابل یکدیگر سبب نشاط و بالا رفتن رضایت از زندگی، نه تنها در زوجین، بلکه در همه اعضای خانواده می‌شود. در این رابطه زوج نباید هنگام رابطه به

زوجه آسیب جسمی یا روانی وارد کند، اما گاه مردان از این حقوق پنداشت اشتباهی دارند و بعضی مواقع موجب بروز مخاطره جانی برای همسر خود می‌شوند.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا حقوق جنسی زوجین نسبت به یکدیگر مطلق و بدون محدودیت است؟ آیا زوج می‌تواند هرگونه استمتاع جنسی را از همسر خود مطالبه نماید؟ و آیا عدم تمکین زوجه در مقابل خواسته‌های جنسی غیر متعارف زوج موجب نشوز وی می‌گردد؟ یا این که به علت وجود چارچوب و محدودیت‌هایی در این حقوق، زوج نمی‌تواند خارج از آنها مطالبه و درخواست جنسی داشته باشد؟

در مقابل این مسئله در مورد زوجه نیز مطرح است، آیا زوجه می‌تواند هرگونه استمتاع جنسی را از زوج مطالبه نماید و در صورت مخالفت زوج، نشوز محقق می‌شود؟ یا این که این حقوق جنسی دارای محدودیت‌هایی است و زوجه فقط در چارچوب این محدودیت‌ها می‌تواند مطالبات جنسی داشته باشد؟ به عبارت دیگر آیا در روابط جنسی زوجین با یکدیگر تجاوز جنسی که از آن به تجاوز زناشویی تعبیر می‌شود مصداق پیدا می‌کند یا خیر؟

در واقع اغلب مردم به سبب این که در ذهنشان تجاوز زناشویی امری جدی نیست، بدان توجه نمی‌کنند و در نظر اکثر افراد این مسئله نوعی عدم توافق بر سر رابطه جنسی است، که مرد برنده آن است و تصویری خوش بینانه مثل کمی خشونت مبهم، به همراه کمی درد و رنج از مسئله دارند و اجبار صورت گرفته در نظرشان انتزاعی است و معمولاً در توصیف آن جملاتی خنثی را به کار می‌برند، مثلاً او را مجبور یا وادار کرد. در واقع این عمل نوعی "سانسور کلیشه‌ای" است که محصول جهل و درک ناصحیح است. (گودرزی، موسوی بجنوردی، نوابی نژاد، ۱۳۹۵، ۶۸)

حال آن که تجاوز جنسی نوعی خشونت علیه زنان محسوب می‌شود و تنها به نارضایتی از رابطه اطلاق نمی‌شود. اکنون باید دید آیا در اسلام نیز چنین مفهومی وجود دارد؟ آیا برای آن منع شرعی و اخلاقی قرار داده شده است یا خیر؟ از طرف دیگر باید دید حقوق جنسی به صورت عام چه بوده و در چه مواردی به الزام آن دستور داده شده است و در چه مواردی آن را محدود به حدود کرده اند؟ که در این صورت آیا عبور از این محدودیت‌ها به معنای تجاوز زناشویی می‌باشد یا خیر؟ از منظر دیگر در صورت کوتاهی در حقوق به نشوز خواهیم رسید، آیا نشوز تنها متوجه زوجه می‌باشد یا ممکن است به هر یک از زوجین نسبت داده شود؟

۱-۲- پیشینه و تاریخچه موضوع

پورعبدالله، کبری؛ رنگچی طهرانی، عطیه، ۱۳۹۶، در پژوهشی با عنوان پیامدهای کیفر زدایی در حوزه ی جرائم خانواده به بررسی روشها و مبانی کیفر زدایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، خصوصاً در حوزه ی کیفری و خانواده پرداخته اند، لذا با توجه به آیات و روایات و منابع فقهی، اثر بخشی اعمال کیفر زدایی بر تحکیم خانواده، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

گودرزی، فریبا؛ موسوی بجنوردی، سید محمد؛ نوابی نژاد، شکوه، ۱۳۹۵، پژوهشی با عنوان بررسی روان شناختی تجاوز زناشویی با نگاهی بر جنبه فقهی و حقوقی موضوع در خصوص شناخت تجاوز زناشویی

و گستره آن و جایگاه آن در فقه امامیه انجام داده اند. این پژوهش به شیوه ترکیبی یا آمیخته، به صورت مصاحبه با چهار تن از قربانیان تجاوز زناشویی صورت گرفته است.

شاگری گلپایگانی، طوبی؛ کاردوانی، راحله؛ و کیلی، مهدی، ۱۳۹۳، در مقاله ای با عنوان بررسی فقهی- حقوقی گستره ی نشوز زوجین و شیوه ی مواجهه با آن در مورد نشوز و آراء فقهای امامیه در خصوص آن و جایگاه ضرب صحبت کرده است.

رهبر، مهدی، ۱۳۹۳، در تحقیقی با عنوان محدوده شرعی تمکین عام زوجه به تعیین میزان تاثیر اذن زوج در زندگی زوجه پرداخته است. در این راه از نظر برخی فقهای معاصر و گذشته استفاده نموده و پس از آن به روایات وارده اشاره کرده است.

السان، مصطفی، بی تا، در پژوهشی با عنوان جرم شناسی خشونت علیه زنان به بررسی خشونت جنسی و لزوم جرم انگاری آن پرداخته است. این مطالعه با روش کتابخانه ای انجام شده و هدف از آن تحلیل جرم شناختی خشونت علیه زنان و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از این نوع خشونت می باشد.

جوکار، محبوبه، ۱۳۹۰، در پژوهشی با عنوان حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر، اخلاقی، فقهی و حقوقی به بررسی این وظایف به صورت جداگانه برای هر کدام پرداخته است، سپس با بررسی آیات و روایات، نظرات فقها و حقوقدانان و نیز با استفاده از نظریه های روانشناسی درباره فلسفه تفاوت های حقوقی زوجین، علاوه بر تبیین صحیح وظایف مشترک و اختصاصی زن و مرد علت این تفاوت ها را با نگاهی درون دینی بررسی کرده است.

سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۸۸، در پژوهشی با نام خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی به بررسی نگاه اسلام به ازدواج و آثار روانشناختی آن و همچنین راهکارهای اسلام برای رشد و بالندگی خانواده و راه حل هایی برای مشکلات خانواده پرداخته است. هدف از انجام این پژوهش بررسی نیازهای جنسی و مسئولیت های اخلاقی متقابل زن و شوهر بوده است.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۸، در کتابی با عنوان حقوق خانواده به توضیح و تشریح ماده ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷ قانون مدنی پرداخته است. در این نوشتار بخش کوتاهی به مسائل جنسی و شرط لازم صحت نکاح اختصاص داده شده است.

حکمت نیا، محمود، ۱۳۹۲، در کتابی با عنوان حقوق زن و خانواده به صورت اجمالی به مسائل جنسی و حقوق متقابل زن و شوهر پرداخته است.

۱-۳- اهمیت و ارزش تحقیق

نخست آن که با توجه به ضعف مبانی دینی و ضعف فرهنگی-فکری برخی افراد این موضوع یعنی حقوق متقابل جنسی زوجین نادیده انگاشته و تنها حقوق جنسی زوج مورد توجه قرار گرفته است و حقوق زوجه را نادیده گرفته و به وسیله آن حقوق زن را بی ارزش و ناچیز می شمارند و به این وسیله، اسلام را دینی مرد محور و بی توجه به حقوق زنان نشان می دهند.

دوم این که شناخت حقوق هر یک از طرفین و سپس حقوق متقابل آنان سبب تداوم زندگی زناشویی شده و در سایه آن آرامش و سلامت روانی و جسمی زوجین تامین خواهد شد.

سوم این که عدم توجه به محدودیت‌ها در روابط جنسی زوجین چه بسا موجب اقدامات مخاطره آمیزی نسبت به زوجه گردیده و او را در معرض مخاطرات جانی و تهدید سلامت قرار دهد.

۴-۱- اهداف تحقیق

۱. تبیین حقوق جنسی متقابل زوجین
۲. تبیین حدود حقوق و تکالیف جنسی زوجین نسبت به یکدیگر
۳. تبیین امکان تحقق تجاوز زناشویی در روابط زوجین

۵-۱- سوالات تحقیق

۱. حقوق جنسی متقابل زوجین چیست؟
۲. حدود حقوق و تکالیف جنسی زوجین نسبت به یکدیگر چه مقدار است؟
۳. آیا به امکان تحقق تجاوز زناشویی در روابط زوجین در قوانین شرعی و اسلامی اشاره شده است؟

۶-۱- روش تحقیق

توصیفی، تحلیلی
ابزار تجزیه و تحلیل: استفاده از روش‌های استدلال منطقی بر اساس اصول و قواعد فقهی و حقوقی

۷-۱- کاربرد نتایج تحقیق

استفاده از نتایج این تحقیق در وضع قوانین و مقررات، در خصوص حقوق و تکالیف جنسی متقابل زوجین و تحقق نشوز و قوانین مربوط به منع تجاوز زناشویی

فصل دوم

مفاهیم و ادبیات نظری

مقدمه

در این فصل ابتدا به توصیف و تبیین واژگان پرکاربردی که در متن استفاده شده است می‌پردازیم، سپس در ادامه به ادبیات نظری تحقیق خواهیم پرداخت.

۲-۱- مفاهیم

در این بخش مفاهیم مورد نیاز پژوهش همچون حق و تکلیف و تمکین را توضیح خواهیم داد.

۲-۱-۱- مفهوم حق

در مورد کلمه حق و جمع آن حقوق، نظریات و آراء گوناگونی موجود است و فقها آثار بسیاری به آن اختصاص داده‌اند. اما در واقع کمتر کسی به آن پایبند است. همان‌طور که حضرت امیر مومنان (ع) می‌فرماید:

«پس حق گسترده‌تر از آن است که وصفش کنند، ولی به هنگام عمل تنگنایی بی‌مانند دارد»^۱. (دستی، ۱۳۸۴، ۳۱۵) در اینجا منظور ما از کلمه حق، حق درمقابل باطل نیست، بلکه منظور حق در مقابل تکلیف است.

برای فهم کلمه حق باید به دو معنای لغوی و اصطلاحی آن توجه کرد:

^۱ (فالحق اوسع الاشياء فی التواصیف و اضيقها فی التناصّف)

کلمه ی حق در لغت دارای چند معنی است: ۱. به معنی به وجود آورنده چیزی به سبب حکمتی که در ایجادش بوده است. به همین سبب است که در مورد خداوند گفته می‌شود: هوالحق یعنی خداوند حق است. ۲. به معنی آفریده شده‌ای که حکمت مقتضی وجودش را داشته است. به همین خاطر است که گفته می‌شود: همه ی افعال خدا حق است یعنی هرکاری را که خدا انجام می‌دهد بدون حکمت نیست. ۳. حق به معنی اعتقاد به چیزی آن گونه که هست و وجود دارد. ۴. حق به کار و گفتاری که آن گونه و به آن مقدار و در زمانی که باید انجام گیرد و گفته شود، اطلاق می‌گردد. (راغب، ۱۳۸۹، ۱۳۵، فیومی، ۱۴۱۴، ۱۴۳)

"حق در لغت به معنای راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود". (عمید، ۱۳۶۹، ذیل واژه حق) از لحاظ حقوقی "سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد" (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹)

در اصطلاح حق عبارت است از اعتبار سلطه، به نفع شخص یا جهتی نسبت به عین، منفعت، انتفاع یا امری اعتباری که به مقتضای این سلطه و توانایی، صاحب حق می‌تواند در متعلق آن تصرف کند یا از آن بهره گیرد. (لطفی، ۱۳۸۲، ۴۹)

واژه حق در لغت به معنای ثبوت و ثابت آمده است؛ لیکن در معنای اصطلاحی حق، همچنین تمایز آن از حکم و ملک، در کلمات فقها بحث های بسیار و نظرات مختلفی مطرح است؛ بدون آن که به نتیجه‌ای مشخص و شفاف- که حق را از آن دو کاملاً متمایز، و خصایص و ویژگی های هر یک را معلوم کند- رسیده باشند. از این رو، برخی فقها چیزهایی را از مصادیق حق بر شمرده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر آنها را جزو احکام می‌دانند. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۳۱۷)

عده ای معتقدند حق دارای دو معنا است: حق فردی: حقوق جمع حق است و آن اختیاری است که قانون برای فرد شناخته که بتواند عملی را انجام و یا آن را ترک نماید. حق ذاتی: حقوق به مجموعه قواعدی گفته می‌شود که در روابط اجتماعی بین افراد حکومت می‌کند که به آنها قوانین نیز می‌گویند که استعمال حقوق در این معنی مجازی است و به اعتبار اینکه قواعد مزبور حکایت از حقوق فردی می‌نماید، به آن حقوق می‌گویند. (امامی، ۱۳۸۲، ۷۴)

منشا پیدایش حق ممکن است از امور غیر اختیاری (طبیعی و فطری و...) باشد، مانند حقوق زن یا مرد و ممکن است امر اختیاری باشد مانند حقوق افراد تحصیل کرده که اگر شرع یا قانون آن را به رسمیت نشناسد و اعتبار نبخشد، نه صاب حق می‌تواند از آن بهره ببرد و نه کسی در مقابل صاحب حق به تکالیف و وظایفی موظف خواهد بود. (گرگی، ۱۳۷۸، ۷-۸)

به هر تقدیر در تعریف ماهوی حق هیچ اجماعی میان فقها وجود ندارد، ولی در فقه هر گاه از حق سخن گفته می‌شود، سلطنت فعلیه ای تصور می‌شود که قائم به دو طرف است، یکی طرف سلطنت که از حق منتفع می‌شود و دیگر آن که حق به ذمه اوست و ادای آن را به عهده دارد. (طوسی، ۱۳۸۲، ۱۶)

۲-۱-۱- ویژگی‌های حق

۱. "قابلیت اسقاط، اعراض آن از طرف اشخاص

۲. قابلیت نقل و انتقال آن، با اسباب قهری و اداری

۳. امکان تعهد به سلب" (نجم آبادی، صادقی، زارع، ۱۳۹۶)

۴. قابلیت اسقاط حق (النجم آبادی، ۱۴۲۱، ۶۲۴)

۲-۱-۱-۲- تقسیمات حق

برای واژه حق تقسیمات بسیاری قائل شده اند اما رایج ترین آن شامل موارد زیر میباشد:

۲-۱-۱-۱-۲- حقوق فردی

حقوقی است که به هر فرد از جامعه بستگی دارد و به سازمان و اداره حکومت مربوط نیست. (سیدی جربندی، ۱۳۹۱، ۱۳۱) به عنوان مثال حقوق مالی و غیر مالی، حقوق دینی و عینی و حق زوجیت از جمله حقوق فردی هستند.

۲-۱-۱-۲-۲- حقوق اجتماعی

از نظر شهید مطهری، مجموعه حقوقی که خارج از خانواده در اجتماع، برای افراد به وجود می آید، حقوق اجتماعی است. (مطهری، ۱۳۸۹، ۱۵۹) حقوق اجتماعی دارای انواع مختلفی است؛ در اینجا به عنوان نمونه می توان به حقوق کار، حقوق مالیه، حقوق جزا و... اشاره کرد.

۲-۱-۲- تکلیف

تکلیف در لغت فرمان به کاری دادن، حکم به اجرای امری کردن و زحمت دادن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۰۵۶)

تکلیف مصدر باب تفعیل است که در لغت به معنی چیزی را از کسی خواستن که در آن رنج باشد، به رنج افتادن، بار کردن، گردن کسی گذاشتن، رسیدن به سن بلوغ و رشد مصادره و مالیات غیر مستمر، آمده است. (زعفرانچی، ۱۳۷۰، ۲۵۶، زبیدی، ۱۴۱۴، ۴۶۴)

در تعریف فقهی تکلیف آمده است که خطاب شارع به انجام دادن یا ترک کاری و یا تخییر بین آن دو و در اصطلاح شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه می شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ۶۱۰) تکلیف در اصطلاح، عبارت است از امری که شخص ملزم به انجام آن است و تخلف از آن موجب کیفر متناسب است. تکلیف به دو نوع مثبت و منفی تقسیم می شود. تکلیف مثبت، عملی است که باید انجام شود؛ مانند دادن نفقه. تکلیف منفی، عملی است که باید ترک شود؛ مانند افراط و تفریط نکردن در امانت. (سلیمی، ۱۳۹۲، ۸۱)

۲-۱-۲-۱-۲- حق و تکلیف در روابط جنسی زوجین

ابتدا برای فهم معنای حق و تکلیف باید به معنای این دو در مقابل یکدیگر توجه کرد نه معنای هر یک به تنهایی؛ بنابراین در این بخش به رابطه این دو واژه با یکدیگر می پردازیم.

حق، دو جانبه است: له و علیه. هیچ حقی نیست که بدون دو رکن له و علیه قابل تحقق باشد. کسی که حق برای اوست، باید به حق خودش برسد و کسی که حق بر اوست، مکلف است که حق را ادا کند. (بهشتی، ۱۳۸۰)

به حق نمی توان انکار کرد که تاکید بر تکلیف پذیری و مسئولیت پذیری بهترین شیوه ی احقاق حق به شمار می رود که در دین نیز به خوبی توصیه شده است. به نظر آنچه مهم است و قابل چشم پوشی نیست،

دقت در یکی از خصیصه‌های حق یعنی قابل اسقاط بودن آن است که شاید بتوان گفت تکلیف زاییده حق است. (نجف آبادی، ۱۳۹۶)

هیچ‌گاه نمی‌شود فردی بر دیگری حقی داشته باشد؛ اما آن دیگری بر او حقی نداشته باشد. هر یک از آنها، هم حق دارند و هم تکلیف: اگر بنا باشد حق به سود کسی اجراء شود و زبانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است. (دشتی، ۱۳۸۴، ۳۱۵)^۱

اگر در عالم هستی کسی پیدا شود که بر دیگری حق داشته، اما دیگری بر او حقی نداشته باشد، آن موجود فقط خداوند است. جهت این امر هم آن است که مبنای حق درباره خداوند با دیگران فرق دارد. حق افراد به معنای انتفاع بردن است؛ اما حق خداوند معنایش این است که دیگران در مقابل خداوند تکلیف دارند. هیچ‌کس در جهان و از خداوند طلبی ندارد که خداوند موظف بر ادای آن باشد، ولی افراد می‌توانند از یکدیگر طلب‌کار باشند. (مطهری، ۱۳۸۹، ۲۱۱)

حق و تکلیف آن‌گونه که حق و باطل از یکدیگر گریزانند، از هم گریزان نیستند و با یکدیگر تعارض ندارند. هرکجا حقی باشد، در مقابل آن، تکلیفی و هر کجا تکلیفی باشد، در مقابل آن حقی است. اگر چنین نباشد، جعل حق یا تکلیف بیهوده است. اگر در نظام خانواده شوهر مکلف است که به زن نفقه بدهد و به قانون «عاشروهن بالمعروف» (نساء، ۱۹) با او حسن معاشرت داشته باشد، زن نیز حق نفقه و حسن معاشرت دارد. نه این حق، بدون آن تکلیف و نه این تکلیف، بدون آن حق، معنی و مصداقی پیدا می‌کند. هر کدام بدون دیگری، لغو و عبث و بیهوده است. (بهشتی، ۱۳۸۰)

یکی از حقوق زوجین نسبت به هم، حق رابطه جنسی است. برقراری صحیح این ارتباط نقش مهمی در حفظ و استحکام خانواده و پیشگیری از انحرافات احتمالی زن یا شوهر دارد. زن و شوهر حقوق مساوی دارند و این حقی متضایف است، یعنی در مقابل تکلیف زن که اطاعت از امور جنسی است، حقی هم از جانب مرد نسبت به زن قرار داده شده است و برقراری چنین توازنی - که تلازم حق و تکلیف است - به تعدیل و تنظیم روابط جنسی منجر خواهد شد. (احمدیه، ۱۳۹۷)

۲-۱-۳- مفهوم تمکین

تمکین واژه‌ای است که بیشتر در کشور ایران به کار می‌رود، اما در قوانین احوال شخصیه کشورهای عربی، از واژه طاعت استفاده می‌کنند (محمد جانم، ۲۰۰۹، ۸۷). در مجموعه قوانین اردن، ماده ۳۹، ماده ۵۲ از قوانین سودان، ماده ۴۳ از قوانین مشروع عربی، ماده ۳۹ از قوانین مشروع خلیجی، به واژه طاعت اشاره شده است:

حقوق زوج بر زوجه این‌گونه عنوان شده است: مراقبت از او و طاعت (تمکین) به معروف، به عنوان رئیس خانواده.^۲ (محمد جانم، ۲۰۰۹، ۸۷)

تمکین در لغت به معنای تن در دادن است. (نادر، ۱۳۵۲) و در اصطلاح فقهای امامیه دارای دو معناست:

«وَلَوْ كَانَ لِأَخْدٍ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ»

«حقوق الزوج علی زوجته و ذکرته منها: العنایة به، و طاعته بالمعروف، باعتباره رب الاسره»^۲

۲-۱-۳-۱- تمکین عام

عبارت است از پذیرش ریاست شوهر برای اداره منزل و قیمومیت وی برای سرپرستی خانواده. (محمدی، ۱۳۸۳)

۲-۱-۳-۲- تمکین خاص

و آن، عبارت از نزدیکی جنسی با شوهر است که زن باید همیشه آماده برای آن باشد، مگر آن که بیمار باشد که نزدیکی، موجب زیان او گردد و یا مانع شرعی داشته باشد. (خدایاری نژاد، ۱۳۹۰) و حالت آمادگی (زن) برای استمتاع در صورت تقاضای شوهر. (اراکي، ۱۳۷۷، ۷۴۲)

۲-۱-۴- مفهوم نشوز

واژه نشوز در لغت، جمع نَشَز و به معنای ارتفع (افزایش یافت، رشد یافت) و امتنع (خودداری کردن) است. (معلوف، ۱۹۹۸، ۸۰۹). در فرهنگ راغب، نَشَز به معنای جایی از زمین، که بالا آمده باشد است. منظور از نشوز المرأة، بغض زن نسبت به همسرش و سرپیچی از اطاعت او و چشم به دیگری داشتن و از او چشم بریدن است. (راغب، ۱۳۸۹، ۵۶۷)

فرهنگ نگاران معاصر که نگاهی تاریخی به تحول معنای واژگان دارند، ریشه و اصل این واژه را حرکتی در جهت بلند شدن، با تاکید بر این حرکت (از بالا به پایین) دانسته و به مصادیق متنوع و مختلفی از جمله؛ بلند شدن مکانی، خزیدن و جابجا شدن در مجالس، سربرافراشتن، ترک موافقت و مهربانی، دوری جستن از همدلی و همراهی، واگذار کردن صفا و صمیمیت، قطع رابطه و دوری کردن و... اشاره کرده‌اند. در هر یک از این موارد، مفهوم تحرک با قید معنای بلندی باید دیده شود. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۲۴)

در مورد معنای اصطلاحی نشوز بین فقهای امامیه اتفاق نظر وجود ندارد. در این باب سه نظریه وجود دارد:

۱. خروج یا سرکشی زن یا شوهر از حقوق واجب یکدیگر که مصداقی از خروج از فرمان‌بری خداوند است. (جبعی عاملی، ۱۳۸۶، ۱۳۱)

۲. نشوز زوج آن است که مرد از همسرش کراهت دارد و قصد دارد وی را طلاق دهد، ولی زن قصد دارد نزد وی بماند و خوش ندارد از شوهرش جدا شود؛ از این رو از شوهرش می‌خواهد وی را طلاق ندهد و در عوض او از بعضی حقوق خود می‌گذرد.^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ۳۵۰)

۳. برخی در مورد نشوز زوج تردید کرده‌اند و آن را تنها در مورد زن ثابت می‌دانند که تعریف آن در بند اول گذشت. (جبعی عاملی، ۱۳۸۶، ۱۳۱)

لذا در اصطلاح شریعت، تخلف هر یک از زوجین نسبت به وظایف محوله که از سوی شارع تعیین گردیده، موجب نشوز، عصیان و نافرمانی است. (حمیدی مدنی، داداشی نیایی، ۱۳۹۶)

در نصوص و آثار فقهی به حقوق زوجین نگاهی تساوی‌گرا نشده است و این امر شامل نشوز و طریقه برخورد با آن، در مورد هر یک از زوجین نیز می‌شود. تفاوتی که بیشتر به چشم می‌خورد، واژه "ضرب"

^۱ «و هو ان تكون المراه عند الرجل فيكروهها، فيقول لها: اني اريد اطلقك، فتقول له: لا تفعل، فاني اكره ان يشمت بي، ولكن امسكني و لك ما عليك فيصطلحان علي هذا»

به معنای زدن است که در قرآن کریم (نساء: ۱۲۸) در مورد زوجه به کار رفته است. (گلپایگانی، کاردوانی، وکیلی، ۱۳۹۳)

۲-۱-۵- مفهوم تجاوز زناشویی

تجاوز جنسی، یک دخول جنسی (واژینال، دهانی یا مقعدی) تعریف می‌شود، که با آلت تناسلی، انگشت یا هر شی‌ای انجام شده باشد. تجاوز زمانی اتفاق می‌افتد که رضایت قربانی به خاطر ترس از مرگ و یا صدمه دیدن باشد و یا این‌که این عمل از طریق خوراندن دارو باشد. (خادمی، ناهیدی، نافع، اریسیان، ۱۳۹۶)

تجاوز جنسی مرکب از دو واژه "تجاوز" و "جنسی" است. تجاوز از نظر لغوی به معنای ستم و تعدی می‌باشد. با اضافه کردن قید جنسی به تجاوز، قلمرو رفتار متجاوزانه انسان، مقید و منحصر به اعمال جنسی می‌شود، که مطابق با مفهوم تجاوز است. آنچه در ابتدا از واژه تجاوز به ذهن متبادر می‌شود، اجبار و قهر و غلبه است، هرچند منحصر به این معانی نبوده و می‌تواند هر نوع اجباری که نارضایتی فرد مورد تجاوز را به دنبال داشته باشد، دربرگیرد؛ خواه این تجاوز از طریق اجبار و قهر و غلبه به وقوع بپیوندد، یا این‌که از طریق دیگری چون فریب و تهدید یا سوءاستفاده از عدم هوشیاری فرد باشد. (میرکمالی، ۱۳۹۶؛ چلبی، ۱۳۹۰)

به این مفهوم در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نیز اشاره شده است: «رابطه جنسی مردی با زنی غیر از همسرش بدون رضایت آن زن». هر چند، در برخی کشورها و اسناد بین‌المللی، لواط و رابطه مرد با همسرش بدون رضایت وی نیز، از مصادیق تجاوز به شمار می‌آید. (حاجی ده‌آبادی، یوسفی، ۱۳۹۲)

البته تجاوز جنسی زناشویی به برقراری رابطه جنسی بدون رضایت، اطلاق می‌شود که در آن مرتکب، همسر قربانی است. در انگلیسی این اصطلاح از دو واژه "marital" و "rape" تشکیل شده است که در فرهنگ لغات انگلیسی rape به معنای: ۱. هتک ناموس کردن ۲. تجاوز به ناموس کردن است و marital به معنای شوهری، ازدواجی، وابسته به زناشویی است. "از این رو در معنای ترکیبی آن می‌توان گفت تجاوز جنسی زناشویی اجبار فرد به تسلیم عمل جنسی در فرایند ازدواج است به نحوی که با اجبار و خشونت، از اندازه و حد خود خارج شود. (گودرزی، موسوی بجنوردی، نوایی نژاد، ۱۳۹۵)

۲-۲- ادبیات نظری

در این بخش به بررسی نظرات و آراء مختلف در مورد روابط جنسی زوجین خواهیم پرداخت. نخست نظر اسلام در این رابطه را خواهیم دید سپس به سایر آراء می‌پردازیم.

۲-۱-۲- رابطه جنسی از دیدگاه اسلام

در قرآن کریم به جای کلمه آمیزش از کلمات کنایه آمیزی مانند: مباشرت، مس، دخول، لمس و اتیان استفاده شده است، همچنین کلمه وطی و جماع که این دو کلمه به صورت کنایه به کار رفته‌اند، هر چند کثرت استعمال از حد کنایه آن‌را بیرون کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶۴)